



## تاریخ مختصر قوم و دیانت یهود

----- مینا انتظارحجت

بن نوح که به یگانگی مطلق خداوند عالم واقف شده بود و اعتقادی به الوهیت اصنام و ربوبیت خدایان مصنوعی نداشت، بت های معبد بزرگ شهر اور کلدانیان را شکست و پس از آن که آتش مجازاتی را که قومش برافروخته بودند - بنا به روایات اسلامی آتشی که نمرود پادشاه بابل برافروخته بود - به فرمان خداوند بر او سرد گردید، از سرزمین کلدان به کنعان مهاجرت کرد.

کنعانیان، بر ابراهیم و خاندانش نام عبری و عبرانی نهادند؛ یعنی کسی یا کسانی که عبور کرده اند، یا از آن سوی فرات آمده اند. جمعیت عبریان خداپرست تدریجاً افزایش یافت و به قومی بزرگ تبدیل گردید. ظاهراً در همین دوران است که جمعی از اعقاب ابراهیم به اتفاق گروهی از شبانان و متفرقان اقوام مهاجر شرقی به سوی مصر شتافتند و اراضی حاصلخیز دلتای رودخانه نیل را اشغال کردند و در مصر دولتی بر پا داشتند که از حدود سال ۱۷۵۰ تا ۱۵۸۰ قبل از میلاد برقرار بود. این مردم که ظاهراً سامی ها بر آن ها غلبه داشتند، هکسوس ها بودند. این نام صورت تحریف شده کلمه مصری هکاخاسه یعنی فرمانروایان بیگانه است. نام دیگر آنان در عربی رُعا به معنای شبانان است که اخیراً تصور می شود همان فراعنه سلسله های -۱۷ ۱۵ مصر باستانی باشند. پایتخت این سلسله شهر آواریس از شهرهای مصر سفلی

یهودیان جهان به طور اخص، شاید از جمله قدیم ترین اقوام کنونی جهان به شمار آیند. هر چند خلوص نژادی مضحکه ای بیش نیست و استناد به چنین امری از مباحث علمی خارج است، اما تلقی یهودیان و به ویژه یک گروه خاص از آنان چنین است که اغلبشان بازماندگان اسباط دوازده گانه حضرت یعقوب و از آن طریق فرزندان حضرت ابراهیم و حضرت نوح و با نه واسطه، اولاد حضرت آدم صلی الله هستند. این تلقی جزئی از آموزه های دینی یهودیان است و به همین دلیل، پیوند بین مذهب و قومیت چنان درهم تنیده و استحکام یافته است که تفکیک این دو مقوله از یکدیگر تقریباً ممتنع می نماید.

آن چه که یهودیان را در ذیل این نام قرار می دهد، عنوان مذهب آنان است که برای تمام یهودیان عالم، یک دسته آداب و آیین های مشترک فراهم آورده است. به این دلیل نمی توان یهودیت کنونی را، اندیشه متعلق به یک قوم دانست بلکه انتساب تمام آنان به یک مذهب باعث قرار گیری آنان در ذیل یک نام قومی گردیده است. حیات قوم و مذهب یهود با یک حادثه استثنایی در تاریخ دیانت بشری آغاز می گردد. در حدود دو هزار سال پیش از میلاد، در شهر اور از شهرهای کلدان، ابراهیم نبی فرزند آزر (قرآن کریم ۷۴/۶) و یا فرزند تارح (عهد عتیق ۲۶/۱۱ و ۲۷) از نسل سام

آن چه که یهودیان را در ذیل این نام قرار می دهد، عنوان مذهب آنان است که برای تمام یهودیان عالم، یک دسته آداب و آیین های مشترک فراهم آورده است.

و همان جا به خاک سپرده شد. جمعیت بنی اسرائیل در مصر افزایش یافت و قدرت و نفوذشان سبب نگرانی فرعون شد. پس آنان را برده گرفت و به کارهای سخت واداشت و پس از آن فرمان داد که نوزادان ذکور بنی اسرائیل را بکشند. موسی پیامبر، فرزند زن و مردی از سبط لایوی بود. مادرش که زیبایی وی را دید، او را نگه داشت و پس از سه ماه او را در سبیدی از نی گذاشت و در آب نهاد. بنا به روایت تورات، دختر فرعون او را از آب گرفت و با تمهید خواهر موسی او را برای شیر دادن به مادرش سپرد و چون بزرگ شد، موسی را به دختر فرعون تحویل داد. موسی رشد کرد و جوان شد و در یکی از روزهای جوانی مردی مصری را که مباشر بردگان عبرانی بود به قتل رسانید و چون فرعون از عمل موسی آگاه شد، در صدد قتل او برآمد. موسی ناگزیر از مصر به مدین گریخت و بر اثر حمایت از دختران کاهن مدین در برابر چوپانان مزاحم، مورد توجه کاهن واقع شد و با صفورا دختر او ازدواج کرد. در این هنگام است که فرعون می میرد و خداوند که استغاثه های بنی اسرائیل را شنیده بود، در حوریب که جبل الله است خود را در بوته ای شعله ور به موسی نشان داد و با او سخن گفت و موسی را به رسالت نزد عبرانیان فرستاد و با اظهار معجزات بسیار هم چون خونین شدن آب و فراوان شدن وزغ و مگس و پشه و گرفتن جان همه نخست زادگان انسانی و حیوانی مصریان، فرعون را واداشت که با آزادی بنی اسرائیل موافقت کند. در شب موعود ششصد هزار مرد عبرانی با اعضای خانواده های خود به حرکت درآمدند و به سمت دریای سرخ رفتند و با اعجاز خداوند که دریا را بر ایشان شکافته بود، از آن گذشتند و مصریان که به تعقیب بنی اسرائیل آمده بودند همگی در آب دریا غرق شدند. بنی اسرائیل پس از این معجزه از یهوه ترسیدند و به خداوند و نبوت موسی ایمان آوردند. آنان پس از چهارصد و سی سال اقامت در مصر، سرانجام از آن سرزمین خارج شده و به سوی ارض مقدس به حرکت درآمدند. آنان در ماه سوم از روز خروج در صحرای سینا به کوه سینا رسیدند و خداوند که در هیئت دود و آتش بر موسی ظاهر شده بود، ده فرمان و احکام

بود. سلطنت هکسوس ها بیش از صد سال طول کشید و سرانجام به علت مظالم و تعدیاتشان در حق بومیان مصری، با شورش مردم برافتاد. هر چند زمان حکومت هکسوس ها تقریباً با داستان حضرت یوسف و سکونت طولانی خاندان یعقوب در مصر بعضی مشابهت ها و موافقت های احتمالی دارد، اما کتب مقدس هیچ اشاره ای به احتمال تطابق زمان هکسوس ها با حیات نخستین انبیاء بنی اسرائیل ندارند. به هر حال سکونت اولاد ابراهیم در کنعان به درازا کشید و به عهد یعقوب نبی رسید که طبق کتاب مقدس با فرشته خدا کشتی گرفت و چون غلبه داشت، فرشته خدا به او لقب اسرائیل - یعنی شخص پیروز بر خداوند - اعطا کرد. لقب بنی اسرائیل از این جا پیدا شد. یعقوب دوازده پسر داشت که یوسف محبوب ترین آن ها نزد پدر بود. برادرانش به همین جهت از او کینه به دل گرفتند و روزی که یوسف در صحرا به همراهشان آمده بود او را به داخل چاهی انداختند و پس از آن به توصیه یهودا پسر چهارم یعقوب او را به تجار مدینی که از آن مسیر می گذشتند به قیمت بیست پاره نقره فروختند و آنان نیز یوسف را در مصر به فوطیفار، سردار افواج خاصه فرعون فروختند. داستان زندگی یوسف در مصر به آن جا رسید که برادرانش و سپس پدرش از وجود او آگاه شدند و با تمام اعضای خانواده و تمام بستگان و اقوام به مصر مهاجرت کردند. یعقوب در مصر درگذشت و پسرانش او را بنا به وصیتش در زمین کنعان دفن کردند. یوسف نیز پس از صد و ده سال زندگی در مصر درگذشت





**کتاب تورات که مبنای اصول و عقاید دینی  
یهودیان است، از جمله مواریث ارزنده بشریت  
متمدن به شمار می آید و از جهت مطالعه تاریخ  
تحولات عقلی و اجتماعی، اهمیت فراوان دارد**

از اسباط را تعیین کرد و احکام خداوندرا که به تفصیل در سفر خروج ابواب ۱- ۱۸ و ۲۱-۲۳ و ۲۵-۳۱ و ۳۴ و سفر لاویان ابواب ۱۱- ۲۷ و سفر تثنیه ابواب ۱۸- ۲۸ و ابواب دیگر از تمام اسفار آمده است ، به قوم تلقین نمود و سرانجام خود پس از چهل سال زعامت قوم و آوارگی چهل ساله در سینا، در یکصدو بیست سالگی در زمین قوم کنعانی موآب درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد و یوشع بن نون هدایت قوم را برای ورود به سرزمین کنعان به دست گرفت. پس از مرگ یوشع، حکومت قوم به سرکردگان و سرداران و قضات بنی اسرائیل رسید. دوران حکومت داوران تا رسالت سموئیل طول کشید و براساس تخمین یهودیان، این دوران حدود چهارصدو پنجاه سال بود. پس از دوران داوران، عصر سلطنت بنی اسرائیل آغاز شد. نخستین سلطان بنی اسرائیل، شائول - همان طالوت ازسبط بنیامین بن یعقوب - است که سرانجام در پایان سلطنت، مغلوب فلسطینیان شد و خود از بیم اسارت انتحار کرد. پسرانش در جنگ به دست فلسطینیان کشته شدند. اجساد شائول و پسرانش به دست فلسطینیان افتاد و آنان سرهایشان را قطع کردند و اجسادشان را سوزانیدند. داود از سبط یهودا و سردار عصر

دیگر را صادر کرد. تاریخ قوم و مذهب یهود در حقیقت از این روز آغاز می شود؛ زیرا در همین روزاست که موسی دوازده ستون سنگی به نام دوازده سبط بنی اسرائیل درپای کوه سینا بنا کرد و کتاب عهد یا پیمان را که میان خداوند و او مقرر شده بود، برای قوم خود قرائت کرد و بار دیگر به بالای کوه رفت و تورات و الواح سنگی و احکامی را که خداوند نوشته بود، گرفت و پس از چهل شبانروز به خیمه گاه بنی اسرائیل بازگشت و از ساخت گوساله طلایی به دست برادرش هارون و اعتقاد قوم به آن گوساله خبر یافت و درصدد تنبیه قوم خود برآمد (دورانت انگیزه روی آوردن قوم موسی به پرستش گوساله طلایی را ازعادات قدیمی عبرانیان مصر نوشته است. ظاهراً تامدت های طولانی، گاو نزد آنان رمز یهوه به شمار می آمد). در روز مجازات، سبط لاوی بر او گرد آمدند و در آن روز بیش از سه هزار نفر از قوم عبرانی کشته شدند. پس از آن خداوند بر قوم خشم گرفت و خواست که آنان را مجازات کند اما به خواهش موسی و یادآوری اقوال خدا در حق قوم و اجداد قوم، از نیت خود منصرف شد. مدتی بعد موسی فرمان به شمارش قوم و فرزندان اسباط داد و عازم تصرف کنعان شد و حصه هریک





از اسباط بنی اسرائیل مخالف رُبعام و دو سبط یهودا و بنیامین موافق او بودند. در این شورش یربعام از سبط افرائیم که پیشتر از بیم سلیمان به مصر گریخته بود، سرکرده شورشیان بود و از جانب آنان به سلطنت بخش بزرگی از قلمرو بنی اسرائیل رسید. او برای تضعیف قدرت خاندان سلیمان و کاهش اعتبار معبد اورشلیم، بت پرستی را دوباره رایج کرد و به این جهت ملعون خدا شد و لعنت خداوند به فرزندان او نیز رسید.

در تمام سال های اختلاف میان دو قلمرو شمالی و جنوبی، بت پرستی در میان بنی اسرائیل رواج داشت. سبط یهودا نیز در این سال ها به بت پرستی روی آورد و به این جهت مغضوب خداوند واقع و به هجوم فرعون مصر دچار گردید و خراجگزار دولت مصر شد. مجادلات طولانی میان اسباط بنی اسرائیل به ضعف تمام آن قوم و دولت های دوگانه اسرائیل و یهودا منجر شد. شهر شومرون (سامرا) از زمان سلطنت عمری (۸۹۰ ق.م.) پایتخت اسرائیل و اسباط ده گانه گردید. مملکت اسرائیل سرانجام در سال ۷۲۲ یا ۷۲۱ قبل از میلاد و پس از سه سال جنگ و محاصره، به دست سارگون پادشاه معروف آشور سقوط کرد و بازماندگان اسباط ده گانه بنی اسرائیل را به بابل انتقال داد.

سلطنت اورشلیم عمر طولانی تری داشت. اورشلیم پایتخت اسباط دوگانه بود و با وجود رواج بت پرستی در این شهر، هم چنان مرکز اقتدار روحانیون و کاهنان عبرانی یکتاپرست موسوی باقی ماند و حکومت آن نیز تا زمان انقراض با خاندان داود و پسرش سلیمان بود. سقوط شهر شومرون (سامره) پایتخت اسرائیل یا عبرانیان شمال، این شهر را در آستانه سقوط و نابودی قرار داد؛ اما وقوع حوادثی در شرق، پادشاه آشوری را بر آن داشت که فقط به دریافت خراج و اعلام اطاعت حاکم اورشلیم از دولت آشور اکتفا کند و به آشور بازگردد. این دولت پس از این واقعه، قریب صد و بیست سال دوام آورد و سرانجام با هجوم مجدد دولت آشور منقرض شد و اسباط دوگانه همانند عموزادگانشان که صد و بیست سال پیش به آشور تبعید شده بودند، به آن کشور انتقال یافتند. به این ترتیب عصر استقلال بنی اسرائیل به سرآمد. هفتاد

شائول که در عین حال رقیب شائول نیز بود، پس از آگاهی از قتل شائول رهبری قوم را به دست گرفت. او که در جوانی به سبب قتل جالوت - پهلوان فلسطینیان - محبوب مردم بنی اسرائیل گردیده بود، پس از قتل شائول، توسط خانواده یهودا در حبرون به سلطنت برگزیده شد و مدت هفت سال با فلسطینیان و مخالفان داخلی در جنگ بود و سرانجام تمام بنی اسرائیل سلطنت او را پذیرفتند. داود پس از این در اورشلیم مستقر شد. او در طول سلطنت خود تمام سرزمین هایی را که در نبوت موسی وعده داده شده بود - از مصر تا فرات - تصرف کرد و نخستین هیکل (معبد) یهودی را در اورشلیم بنا نهاد که در عصر سلیمان تکمیل شد. او پس از چهل سال سلطنت در هفتاد و یک سالگی درگذشت و پادشاهی بنی اسرائیل به فرزندش سلیمان نبی رسید. براساس کتاب مقدس، سلیمان نبی پیش از ولادت از سوی خداوند به سلطنت برگزیده شده بود. او مشهورترین سلطان و از بزرگ ترین انبیاء بنی اسرائیل است و در ادیان توحیدی مسیحی و اسلامی جایگاهی والا دارد. هیکل اورشلیم را او تکمیل و قلمرو موروثی بنی اسرائیل را از حملات مخالفان محافظت کرد و دامنه متصرفات بنی اسرائیل را گسترش داد؛ ساختمان ها و نهرهای بسیار ساخت و چندین شهر محصور بنا کرد و تجارت را رونق بخشید و دامنه بازرگانی را تا هندوستان و اسپانیا کشانید. در اواخر سلطنت به مذهب غیر الهی یکی از همسرانش گرایش پیدا کرد و از این جهت مغضوب یهوه واقع و سلطنت تمام بنی اسرائیل از خاندان او خارج گردید. سلیمان پس از چهل سال سلطنت (۹۷۱ - ۹۳۱ ق.م) درگذشت و پسرش رُبعام جانشین او شد. سلطنت او هفده سال طول کشید. در آغاز پادشاهی با شورش قوم خود روبرو شد. در این شورش ده سبط



به نوشته آرنولد توین بی، منشاء و مرجع اولیه بعضی داستان ها و اخبار وقواین بسیار قدیمتر تورات، داستان ها و قوانین و اخبار سومری - اکدی و آشوری - بابلی است.



و عنصر وحدت که ذاتی خداوند است، مخدوش می نماید و از همه عجیب تر، تفاوت عظیم نگرش خداوند به مخلوقات خود است نسبت به سایر ادیان الهی، و آن چیزی نیست به جز تخصیص فقط یک قوم مشرک به نام بنی اسرائیل و رجحان آن قوم، بی هیچ دلیل و علتی بر سایر اولاد آدم؛ تنها به این سبب که آن ها فرزند زادگان ابراهیم خلیل الله اند. مغایرت این تلقیات با سنت الهی بدان گونه که خصوصاً در قرآن مجید بیان شده، واضح و آشکار است (ان اکرمکم عندالله اتقیکم). کتاب تورات ترکیبی است از اساطیر، تاریخ، ادبیات، حقوق، الهیات و شرایع که متناسب با زمان تدوین هر بخش، احتیاجات و نیازمندی های همان عصر را در خود جای داده است.

به نوشته آرنولد توین بی، منشاء و مرجع اولیه بعضی داستان ها و اخبار بسیار قدیمتر تورات - نظیر داستان طوفان - داستان های سومری است که توسط اکدی ها و کنعانی ها به عقاید عبرانی ها وارد شده است. قوانین معروف موسوی از جمله ده فرمان و بسیاری احکام حقوقی و دستورات ناظر بر مناسبات مردم با یکدیگر، بازنویسی قوانین سومری - اکدی و ایضاً قوانین آشوری - بابلی است. مزامیر داود به سبک سرودهای کهن کنعانی سروده شده است و

عهدین رایج در ایران برطبق گرایش پروتستان ها ترجمه و منتشر شده و به همین جهت فاقد بیست و چند کتاب دیگر است که در کتاب مقدس کاتولیک قرار دارد

سال بعد دولت بابل به دست کوروش هخامنشی پادشاه بزرگ ایران، سقوط کرد ( ۵۳۸ ق.م. ) و قوم بنی اسرائیل از اسارت و بردگی نجات یافتند و با موافقت و همراهی پادشاه ایران به اسرائیل بازگشتند و معابد خود را دوباره بنا کردند. تحول خاصی که در اواخر عمر سلسله دوم بنی اسرائیل - یعنی سلطنت اورشلیم و یهودا - پیش آمد، بازیابی و یا درحقیقت تدوین قسمتی از عهد عتیق - شاید سفر تثنیه - در نیمه دوم سال های سلطنت یوشیا پسر آمون و نواده منسی است. او درسال هیجدهم سلطنت خود به تشویق و ترغیب انبیاء و کاهنان، فرمان به تعمیرات اساسی معبد داد. ظاهراً در اثنای تعمیرات، نسخه ای از عهد قدیم یا بخشی از آن که در جایی از معبد پنهان شده بود، به دست آمد. به شکرانه این نعمت که ظاهراً قبلاً تدارک دیده شده بود، انجمن بزرگی از مردم برقرار شد و یوشیا، آن کتاب را برای مردم قرائت کرد و پس از تجدید میثاق با قوم، کاهنان و مردم تمام آثار و نشانه های کفر و شرک و بت پرستی را در اورشلیم نابود کردند و پس از آن به پاکسازی نواحی اطراف اورشلیم از آثار و ابنیه کفر و شرک و بت پرستی پرداختند. هر چند شهر اورشلیم و سلطنت دوم بنی اسرائیل چند سال بعد به دست آشوریان نابود شد، اما آخرین میراث آن یعنی کتاب تورات و شرایع و احکام آن باقی و به عنوان مایملک مشترک بنی اسرائیل برای تمام این قوم باقی ماند و این بزرگ ترین میراثی است که از یهودیان باستان باقی مانده است.

### تدوین تورات یا عهد عتیق:

کتاب تورات که مبنای اصول و عقاید دینی یهودیان است، از جمله موارث ارزنده بشریت متمدن به شمار می آید و از جهت مطالعه تاریخ تحولات عقلی و اجتماعی، اهمیت فراوان دارد. تردید در قدمت آن نیز انکار حقیقت است. تورات - یعنی همین کتابی که یهودیان عالم به آن اقتدا می کنند - معرف دیانتی است که یک قوم باستانی از حدود سه هزارو پانصد سال پیش، یعنی حدود ۵۰۰ - ۶۰۰ سال بعد از حضرت ابراهیم خلیل الله تا امروز آن را حفظ کرده اند. اما کتاب تورات، از شمول این حکم خارج است و نمی توان قدمت آن را همانند قدمت دیانتی دانست که خود شرایع آن را ساخته است. در این کتاب مطالب متنوعی تنظیم شده که به اقرار خود کتاب، در زمان های گوناگون و توسط اشخاص مختلف و راجع به موضوعات متفاوت چند عصر نوشته شده است و به همین دلیل از دایره ایحاء به فردی معین خارج است. ازسوی دیگر کیفیت توحید در این کتاب، نافی صفات ثبوتیه و صفات سلبیه خداوند بوده

تمام مثال های کتاب "امثال سلیمان" به استثناء فصول هشت و نه که منشاء کنعانی دارند، به طرز مشهودی مطابق مثال های کتاب امین امپه از تألیفات مصریان است که حدوداً چهارده قرن پیش از میلاد نوشته شده است.

در طول دوران اسارت بابل که حدود هشتاد سال ادامه یافت، تحولات مهمی در گرایش های دینی و مذهبی عبرانیان تبعیدی صورت گرفت که بعدها در آثار دینی آنان به نحو روشنی انعکاس یافت. البته هنوز تحقیق دقیقی در باره کیفیت این تحولات و تأثیرات ایرانیان و به خصوص زرتشتیان در عقاید و اصول دینی عبرانیان صورت نگرفته است اما به طور کلی روشن شده که بعضی عقاید معین نظیر آخرت شناسی و رستاخیز و بازگشت مجدد انسان، از دیانت زرتشتی به عبرانیان منتقل شده و به عقاید آنان راه یافته است. آثار این تحولات در کتاب های عزرا، نحمیا، استرومردخای، دانیال و یک کتاب دیگر از جمله کتاب های قانون ثانی به نام طوبیا کاملاً مشهود است و پس از این دوره تأثیرات فرهنگ یونانی قرار دارد.

جمع آوری تورات تقریباً تا پیش از سلطنت بطلمیوس دوم پادشاه مصر، به پایان رسیده بود. به نوشته جان ناس، آموزگاران یهودی که وظیفه شرح و تفسیر کتاب مقدس و صحف انبیاء و هدایت و اجرای مراسم عبادی و مناسک دینی یهودیان را بر عهده داشتند، تدریجاً از قرن پنجم قبل از میلاد تا ظهور عیسی مسیح، به جمع برگزیده و مقتدر یهودیان تبدیل شدند و همینان هستند که تا قبل از ترجمه کتاب تورات به زبان یونانی در قرن سوم قبل از میلاد، بخش اعظم آن - چیزی در حدود دو سوم - را جمع آوری، تدوین و تألیف کردند. آن گونه که از شواهد پیداست، مجموعه قوانین شریعت موسوی در عهد عتیق در حدود اوایل قرن پنجم پیش از میلاد کامل گردید و دیگر هیچ بخشی به آن اضافه نشد و فصل پیامبران نیز احتمالاً در حدود اوایل قرن سوم پیش از میلاد بسته شد و چیز دیگری وارد عهد عتیق نشد و بخش نوشته ها و مکتوبات نهایتاً در حدود قرن اول میلادی به پایان رسید و همانند دو بخش دیگر بسته شد.

بطلمیوس در اثنای حکومت خود از یهودیان خواست که نسخه ای از کتاب تورات را برای او به زبان یونانی ترجمه کنند. ربیون یهودی اسکندریه نیز هفتاد و دونفر از علمای یهودی را به تساوی از میان اسباط دوازده گانه یهود - یعنی شش نفر از هر سبط - برگزیدند و آنان در عرض هفتاد و دو روز در جزیره فاروس، تورات زمان خود را به زبان یونانی ترجمه کردند که امروزه به ترجمه سبعینی یا هفتادی معروف است. این ترجمه یونانی تأثیر بسزایی در نفوذ یکتاپرستی یهودی در قلمرو تحت سیطره یونان داشت و مبدل به کتاب مقدس یهودیان و بعدها مسیحیان ساکن کرانه های مدیترانه شد. تا زمانی که قدیس هیرونوموس معروف به سنت جرّم، ترجمه هفتادی را کنار زد، این ترجمه عهد عتیق مورد پذیرش تقریباً تمام کلیساها بود و مؤلفان عهد جدید نیز از آن استفاده می کردند. به استثنای ترجمه سریانی کتاب مقدس (پشیتو) و (وولگات)، تمام برگردان های کهن کتاب مقدس از روی ترجمه هفتادی انجام پذیرفتند.

کلمه تلمود در اصل از کلمات آرامی است و در عبری به معنای تعلیم و تعلم به کار می رود

پس از جدایی قطعی میان کلیسا و کنیسه، بعضی علمای یهودی برای تشخیص فاصله و تفاوت با مسیحیان، چند ترجمه دیگر از متن عهد عتیق ترتیب دادند که سخت مورد قبول و توجه ربّی ها قرار گرفت. پیش از این نیز ترجمه ای به زبان آرامی از کتاب عهد عتیق وجود داشت که آن را ترگوم می نامیدند. ترگوم یک واژه حَتّی است که به زبان های سامی نظیر عبری و عربی راه یافته و معنای آن ترجمه یا شرح است.

ترجمه معتبر و ارزنده دیگری که از عهد عتیق صورت گرفته، از قدیس هیرونوموس یا سنت جِرم است. این ترجمه که به وولگات موسوم است، پس از تجدید نظر هیرونوموس در متن یونانی، از آن زبان به زبان لاتینی ترجمه شده است. وولگات- به معنای تحریر برای استفاده همگان و عامه - پس از تغییر و تصرفاتی که برای بهسازی و تنقیح آن صورت گرفته است، تا قرن های طولانی تنها متن معتبر و مقبول کلیسا بود و برای کلیسا حجّیت داشت.

ترجمه تورات به زبان فارسی نیز سابقه ای طولانی دارد. ظاهراً مسیحیان و یهودیان ایران در عصر ساسانی ترجمه هایی از این کتاب به زبان پهلوی ترتیب داده بودند. هم چنین بنا به قول یوحنا زین دهان از علمای مقدس قرن چهارم میلادی، عهد جدید در زمان او به زبان فارسی عصر ساسانی ترجمه شده بود. در عصر مغولان نیز ترجمه زیبایی از تورات به زبان فارسی صورت گرفت که نسخه منحصر به فرد آن ظاهراً از ایران خارج شده است. به دستور اکبر شاه امپراتور هند (۱۰۱۴-۹۵۰ ه.ق.) که در صدد ابداع یک دین جهانی بود، بخش هایی از کتاب مقدس به فارسی ترجمه شد. در زمان شاه عباس صفوی یک هیئت از مبلغان مسیحی کتاب مقدس را به زبان فارسی ترجمه کردند.

در میانه قرن نوزدهم میلادی ترجمه کاملی از کتاب مقدس به زبان فارسی صورت گرفت که مترجمان آن ویلیام گلن کشیش اسکاتلندی و هنری مارتین کشیش انگلیسی بودند. به سبب نارسایی های این کتاب، انجمن پخش کتاب های مقدسه ترجمه کامل دیگری را در سال ۱۹۰۴ م. منتشر کرد که هنوز در ایران رایج است.

عهدین رایج در ایران برطبق گرایش پروتستان ها ترجمه و منتشر شده و به همین جهت فاقد بیست و چند کتاب دیگر است که در کتاب مقدس کاتولیک قرار دارد. این ملحقات کاتولیکی از نظر پروتستان ها، از جمله آپوکریف ها یا اسفار مجعوله اند و اعتبار قدسی ندارند. این آثار در ادبیات یهودی و مسیحی به نام کتاب های قانونی ثانی شناخته می شوند.

#### تلمود:

موضوع انطباق عمل یهودیان با شریعت موسوی یا احکام و دستوراتی که در تورات بیان شده است، همواره یکی از دل نگرانی های یهودیان و به ویژه کاهنان این قوم و مذهب به شمار می آمد. تورات برای قرون متمادی



از ترکیب میشنا و گمارا که در بعضی جزئیات اختلاف داشتند، در اواخر قرن پنجم کتاب تلمود به وجود آمد.





سپاه امپراتوری روم قرار داشت، به شهر یبینه گریخت و نخستین مدراش (مدرسه) یهودی را دایر کرد و شاگردانش به جمع آوری و تدوین اخبار و روایات بنی اسرائیل و انواع تفاسیر قدیم و جدید از کتاب مقدس پرداختند.

این کتاب حاوی چهار هزار مسئله دینی در تفسیر تورات و ترجمه آن‌ها به زبان معمولی یهودیان بود و به دلیل فقدان تطابق تعدادی از احکام موسوی با اوضاع و احوال جدید، این کتاب که هم ارز تورات تلقی می‌گردید، به جای آن احکام نشست و راهنمای دینی قوم یهود شد. قدمت بعضی از این مطالب به حدود ۵۰۰-۶۰۰ سال قبل از میلاد مسیح می‌رسید.

از سوی دیگر، کتاب میشنا با همه تفصیلات خود، ناقص می‌نمود و به تفسیر و تکمیل نیاز داشت. از این رو ریبیون و علمای یهودی فلسطین و بابل هم چنان به جمع آوری و مطالعه قوانین مکتوب موسوم به حلاقه و روایات شفاهی غیرشرعی و غیردینی موسوم به حگاده که در اخبار و اساطیر ربانیون نسل بعد نسل به روحانیون هر دو ناحیه فلسطین و بابل رسید، ادامه دادند.

از ترکیب میشنا و گمارا که در بعضی جزئیات اختلاف داشتند، در اواخر قرن پنجم کتاب تلمود به وجود آمد. به این ترتیب فرهنگ مکتوب و شفاهی قوم یهود محفوظ ماند. کتاب تلمود در حقیقت فهرست جامع شرعی و رسمی و مجموعه اوصاف و تعاریف

قوم یهود است و تمام تفصیلات و آیین‌ها و معتقدات و رسوم و آدابشان اعم از اصل و فرع و جزء و کل، در آن مندرج است و امروزه همانند اساطیر مکتوب چینی و هندی و ایرانی و یونانی و مصری در شمار گنجینه گرانقدر فرهنگ و تمدن بشری قرار دارد. کتاب تلمود از همان هنگام یکی از مبانی اساسی تعلیم و تربیت و آموزش خاخام‌های یهودی شد و از لحاظ اهمیت بعد از تورات قرار داشت. هم‌اکنون نیز هیچ یک از روحانیون یهودی نمی‌توانند بدون آگاهی از مباحث و مطالب تلمود، به تفسیر و تشریح اصول و عقاید یهودی پرداخته و حتی از تفسیر عقاید یهودی درباره یک موضوع

تنها مرجع تشخیص انطباق اعمال یهودیان با شریعت بود اما در کنار این کتاب، تدریجاً تفاسیر و دستوراتی شکل گرفت که در طی قرون به رویه‌ای ثانوی در کنار رویه‌های اعلام شده تورات تبدیل شد. البته این رویه‌ها با ملاحظه نصوص تورات به وجود آمد و هیچ مغایرتی با جهات مختلف و گرایش‌های مشهود احکام توراتی نداشت.

در کنار این تفاسیر و تشریحات دینی، مجموعه بزرگی از انواع اخبار و اطلاعات در ارتباط با مباحث و دستورات و تکالیف تورات شکل گرفت که محتوی انواع و اقسام حکایات و داستان‌ها و روایات و امثال و حکم بود. این مجموعه حیرت‌انگیز در



طول قرون متمادی درحالی که افزایش می‌یافت، سینه به سینه محفوظ ماند و به آیندگان منتقل گردید. کتاب تلمود از چنین دنیای گسترده‌ای سر بیرون آورد. این کلمه در اصل از کلمات آرامی است و در عبری به معنای تعلیم و تعلم به کار می‌رود و اصطلاحاً مجموعه مدون شریعت شفاهی یهود به انضمام تفسیرهای خاخام‌ها از شریعت یهود است و در کنار شریعت مکتوب یعنی تورات، دومین مرجع استنباط و صدور حکم و تفسیر و تشریح دیانت یهود بعد از کتاب تورات است. در سال ۶۹ میلادی، یوحنا بن زکایی از روحانیون بزرگ یهودی، از شهر اورشلیم که در محاصره





**عیب بزرگ تلمود، ممانعت آن از تفکر  
درباره هر مبحث و مطلب جدید است.**

آن چه را که می بایست نسل های آینده برای خود بیافرینند، نسل های گذشته آفریده و عرصه را محدود کرده اند و به همین دلیل است که در دیانت یهودی تعداد فرقه های مذهبی که نوعاً حامل اندیشه های جدیدی هستند از تعداد انگشتان دو دست کمتر است. اگر در ادیان دیگر، نوع رابطه با گرایش های مسلط، سبب توسعه دانش و علوم دینی می گردد، در دیانت یهودی مقاومت هر اندیشه جدیدی در برابر تلمود، کفر و بی دینی تلقی می شود.

این کتاب از جنبه های گوناگون مورد نقد و بررسی قرار گرفته و منتقدان آن بر این اعتقادند که قوانین و حدود و مقررات با شرایط زندگی در تحول و تغییر است و این تحول ضروری است؛ ولی روحانیت یهود سعی می کند به مؤمنان بقبولاند که صدها هزار سال دیگر که حتی ماهیت جامعه بشری به کلی دگرگون شده است، این دستورات همچنان معتبر خواهد بود.

خاص بدون آگاهی از مطالب تلمود، خودداری می کنند. کتاب تلمود، یکی دو قرن پس از تکمیل میشنا باعث یک اختلاف بزرگ میان یهودیان و پیدایش فرقه معروف قرائیم گردید. قرائیمیه که به اصالت اخبار و تفاسیر متعدد و متنوع تلمود اعتقاد نداشتند، پیروی از این کتاب را مخل ایمان و عمل کردن به آن را مترادف اخراج تورات از حوزه عمل دینی می دانستند. این اختلافات و تشکیک در اعتبار تلمود، هنوز یکی از عوامل تفرق میان یهودیان عالم است.

عیب بزرگ تلمود، ممانعت آن از تفکر درباره هر مبحث و مطلب جدید است. تکامل هر پدیده ای منوط به تفکر و طرح سؤال و جواب درباره آن است. هنگامی که هر امر ممکن و ناممکن، محتمل و نامحتمل، بالقوه و بالفعل، پیش از این که سؤال و جوابی صورت گیرد، به جامه الفاظ درآمده و بالاتر از آن جنبه قدسی به خود گرفته باشد، تکامل آن پدیده به شدت معیوب می نماید. اگر در سایر ادیان، هر فکر جدیدی سبب پیدایش مبحث جدید می گردد، در دیانت یهودی هر فکر جدیدی مخل اصالت تلمود می شود.

منابع:

- ۱- قرآن مجید
- ۲- عهد عتیق
- ۳- قاموس کتاب مقدس / جیمز هاکس
- ۴- قبیله سیزدهم / آرتور کسلر / ترجمه جمشید ستاری
- ۵- آثار الباقیه / ابوریحان بیرونی / ترجمه اکبر داناسرشت
- ۶- تاریخ تمدن / ویل دورانت / ترجمه احمد آرام
- ۷- جهان مذهبی / ریچارد بوش و... / ترجمه عبدالرحیم گواهی
- ۸- تاریخ تمدن / آرنولد توین بی / ترجمه یعقوب آژند
- ۹- ادیان زنده جهان / دیوید هیوم / ترجمه عبدالرحیم گواهی
- ۱۰- طلوع و غروب زرتشتی گری / آر.سی. زنر / ترجمه تیمور قادری
- ۱۱- کتاب هایی از عهد عتیق یا کتاب های قانونی ثانی / ترجمه پیروز سیار
- ۱۲- تاریخ جهان باستان / کاژدان و... / ترجمه صادق انصاری و...
- ۱۳- تاریخ جامع ادیان / جان ناس / ترجمه علی اصغر حکمت
- ۱۴- مجله راهنمای کتاب / فیشل
- ۱۵- مجله راهنمای کتاب / دانش پژوه.

**کتاب تلمود در حقیقت فهرست جامع شرعی و رسمی و مجموعه اوصاف و تعاریف قوم یهود است و تمام تفصیلات و آیین ها و معتقدات و رسوم و آدابشان اعم از اصل و فرع و جزء و کل ، در آن مندرج است.**